

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند یکسره
بی اساس باشد ولی میتواند کاملاً غیراصولی باشد<

بخش بیست و هفتم

نقد نامه «فراستی»..

امیرفیض- حقوقدان

در رابطه با تحریرات اصول مفقودنامه ای از آقای احمد فراستی دریافت شده که اصرار پاسخ دارند و نوشته اند >این استنباط به من دست داده که کل نوشته من به شما نرسیده زیرا میدانم که اگر رسیده بود به تمام موارد عنوان شده از طرف من پاسخ میفرمودید.

گفتگویی درباره سوال و جواب

◀ این احساس واقعی هراسانی است که تمام سوالات و ابهامات دیگران کوشش رفع داشته باشد و حتی در آن حد که بتواند از نظر مادی و یا معنوی هم تامین کننده نیازهای محتاجان باشد ولی متقابلاً بر متقاضی و سوال کننده هم حق است که تقاضایش متناسب با ظرفیت، زمان، امکانات و اهم و اقدم بر سایر مراتبی باشد که لازمه پاسخ به تمام سوالات و همه خواستههای اوست.

◀ هر سوالی هر قدر مهم باشد بیش از سی ثانیه نیاز به صرف وقت ندارد ولی جواب به یک سوالی که سوال شونده احساس مسئولیت کند که جواب درست در حد توانایی خودش به سوال کننده بدهد ساعتها و گاه مدتها بوقت نیاز دارد که باید به نوشته های سابق خودش رجوع کند به تالیفات مربوطه و مبنایی که سبب تولید سوال شده رجوع کند تازه بعد از همه این صرف وقت ها و کوششها کافی است که سوال کننده یک چرا بگوید و سوال شونده سر از نو بازی از نو و این جریان بی انتها هم در حالی است که بندرت و باز هم تکرار میکنم به ندرت و اتفاقی ممکن است سوال کننده از جوابی که دریافت میکند راضی باشد.^۱

در همین نامه مورد نقد، آقای احمد فراستی در رابطه با تحریرات سوال میکنند، که عبارت >اتهام عوام ریشه قانونی ندارد ولی تخریب کننده و نفی اعتبار و اعتماد عمومی ایشان (مقصود اعلیحضرت است) که در تحریر آمده مقصود چیست< این سوال سی ثانیه هم کمتر نیاز به طرح دارد ولی پاسخ تفهیمی آن خیلی مفصل است و تازه اگر طرف در جریان مسائل فلسفی و قانونی سلطنت نباشد همه تلاشها بی فایده است.

۱ - یک «علی بهانه گیر» هرگز راضی نیست و هرگز موارد را به درستی و برای جذب و رسوب نمیخواند منظورش تنها پرسش های بی سروته است. ح-ک

خود بنده از اینترنت هیچ چیزی نمیدانم وقتی سوالی از همسرم و یا فرزندانم راجع به اینترنت میکنم یکساعت آنها عملاً راه و چاره را بمن نشان میدهند باز هم هیچ معلومی جای نامعلومی را نمیگیرد. مقصود این است که اگر زمینه های فکری و آگاهی عمومی وجود نداشته باشد پاسخ هر قدر ساده و پیش پا افتاده باشد سبب اقتناع سوال کننده نميگردد.

◀ استحضار دارید که هم سوال و هم جواب اختیاری است و در هیچ موردی جواب الزامی نیست و این بدان معناست که سیره سوال و جواب بر این منوال نهاده شده که سوال شونده از بین سوالات، آنها که احساس میکند برای سوال کننده مقدم و اهم است و شمول عام بر سوالات دیگر دارد و جواب مطمئن و حاضران ممکن است، جواب میدهد و چون رابطه بین سوال و جواب متضمن الزامات و خسارات نیست لذا احساس مسئولیتی برای جواب گفتن به تمام سوالات را نمیکند. تنها استثنائی که بر این اصل جاری است در مورد سوالات شرعی از مراجع است که جواب آنها فارغ از استدلال و چراست و جواب آری و یا نه میباشد؛ و باز تنها در این مورد است که سوال مستحب است و جواب واجب.

◀ موضوع بسیار با اهمیت رابطه سوال و جواب با موضوع است و آن بدان معناست که یک وقت موضوع صحبتی که نیازی به سوال جواب دارد امری اعتقادی است، که گوینده میخواهد به آن موضوع، حالت اعتباری بدهد و بقبول طرف برساند.

در این حالت به اعتبار ذات موضوع، هم گوینده مایل است که در تفهیم موضوع بکوشد و هم شنونده اگر مایل به قبول نظر گوینده و حمایت و گسترش مقبولیت آن است از ابهامات با سوالاتی که میکند بنیه تبلیغ خود را نسبت به فراگیری آن فکر و یا نظرو عقیده افزایش دهد.

حالت مزبور هنگامی وارد عرصه گفتگو و یا مکاتبه میشود که کسی قصد رهبری و ایجاد مشروعیت و باور عمومی برای یک فلسفه و فکرو اعتقاد اعم از مذهبی و یا سیاسی و اقتصادی را داشته باشد.

اما آنجا که گفتارها و یا مکتوبات در راستای نص و قانون است همانند آنچه که تحریرات و یا سنگرها بدان متمسک است نیازی به بحث و یا ارائه دلیل ندارد زیرا «در مقابل نص اجتهاد لازم نیست».

تا آنجا که میتوانم ادعا کنم، تحریرات خارج از اصول قانون اساسی و متمم آن نیست که جای سوالی پیش بیاید.

◀ بنده تمامی نامه قبلی حضرتعالی (آقای احمد فراستی) را دیدم و به قسمتهایی که بنظر مهم بود، عرض پاسخ هم گردید؛ ولی از آنجا که موضوع عدم حمایت سرکار از محکمه صحرائی و اتهامات اعلیحضرت را در نامه خودتان اعلام و مورد تشکر و قدردانی هم قرار گرفت، قضیه حالت از کل به جزء در آمد یعنی وقتی کل حل شد، دیگر ورود به سوالات تبعی و حاشیه ای را ضروری نمیسازد، و این همان است که مردم در عبارت «که چون صد آید نودم پیش ماست»، آنرا بکار میبرند. ممکن است به اعتبار مزبور به سوالات حاشیه ای ورودی نشده باشد. اگر معهداً سوالاتی است که طرح و پاسخ آن بنظر حضرتعالی بسیار با اهمیت با منافع اصولی کشور است بنده متاسفم از این کوتاهی.

در مسائل سیاسی و اجتماعی که منافع کلی کشور در میان است موضوعات مربوط به منافع کشور اهم و اقدم است. در حالت مثال، این روزها که جریان برجام - قرارداد نفت و گاز کرسنت - قرارداد مالزی - جانشینی سید علی- درگیری های منطقه ای و مسائل مهم دیگری مطرح است باید به مسئله اقوی و اقدم توجه کامل داشت، سوالاتی از قبیل چغولی از جاوید ایران که اینطور کرد و میکند سوال مقبولی شناخته نمیشود خاصه از جانب مردانی که پای، در سیاست و توجه به منافع کشور دارند.^۲

شکسته نفسی شده است

در ابتدای نامه این نوید را داده اید که <از نظری آمد های نامطلوب و نادرست نامه هشدار، فوراً کناره گیری اختیار نموده و از هرگونه رفتارگونه و نوشتاری خودداری و دوری نمودم>.

این اظهار، و به تعبیری شکسته نفسی، با آنچه که حضرتعالی بر آن تصدی میفرمائید همخوانی ندارد.

تنها فردی که در سطح نوشتاری از نامه هشدار و پیامد های آن دفاع میفرماید و در حقیقت قطب و وزنه دفاع محسوب میشود حضرتعالی هستید؛ در حالی که وقتی سرکار <پی آمد های نامه هشدار را نامطلوب و نادرست میدانید که بهمان علت هم <فوراً کناره گیری فرموده اید> باید حداقل در محکومیت آن نامطلوبی ها و نادرستی ها خاصه پی آمد های آن بر میآیدید و یا همانطور که وعده داده اید از هر نوشتار و دخالتی خودداری میفرمودید، ولی متأسفانه چنین نشد.

ایراد اصولی

ایراد اصولی به نامه حضرتعالی دو کلمه است و آن اینکه:

- نظریه اینکه آقای احمد فراستی در نامه قبلی خودشان <بمناسبت پی آمد های نامطلوب و نادرست نامه هشدار، فوراً کناره گیری اختیار نموده و از هرگونه رفتارگونه و نوشتاری خودداری و دوری نموده است>،
- و نظریه اینکه نامه ایشان ضمن اقرار به نامطلوب و نادرست بودن نامه هشدار، واجد این تعهد هم هست که از هرگونه رفتار و نوشتاری خودداری نماید،

لذا تا عدول صریح و قاطع از اقرار و تعهد مزبور از طرف ایشان و اعلام آن، سند مزبور، به اعتبار خود باقی بوده و ورود به نامه ایشان نوعی اسقاط ضمنی تعهد و بی اعتبار دانستن قول و قرار از سوی ورود

^۲ - مگر تنها دلیلشان پس از به محکمه کشیدن اعلیحضرت به محکمه کشیدن تنها کسانی باشد که از نامه هشدار انتقاد کرده اند چه بر اساس نامه انتقاد متوجه استاد امیرفیض و جاوید ایران هردو است. ح-ک

کننده شناخته میگردد که کار اصولی محسوب نمیشود و حداقل برای بنده که سعی دارم در خط اصولی و قانونی فعال باشم پسندیده نیست.

کار غیر اصولی

عرض شد که از نظر اصولی نمیتوان به ادعا های آقای احمد فراستی پاسخ داد ولی **نظربه اینکه در جامعه ایرانیان خارج از کشور متاسفانه به چیزی که اهمیت داده نمیشود همان رعایت اصول است و کوتاهی در پاسخ به نامه مزبور ایجاد سوء تفاهمات مینماید،** ^۳ لذا با اعلام احترام به تعهد و اقرار آقای فراستی، از پاسخ به ادعاهای ایشان که ممکن است نوعی تائید قلب ضمنی اقرار و تعهد ایشان محسوب شود خودداری و عنوان نقد نامه، به آن داده میشود زیرا آثار نقد متوجه پاسخ نمیشود.

۱- نقد نامه

بخش چغلی

محتوای نامه مورد نقد از سه مقوله تشکیل شده است:

❖ بخش عمده نامه جنبه چغلی دارد. و آن، چغلی از جاوید ایران نزد اینجانب است. چغلی فعلی است که معمولاً با هدف دو بهم زنی و نمانی بین افراد کوچک مانند بچه ها و همسران متعدد و زنان همسایه ها، خاله زنک ها و امثال آنها رایج است. فرق بین چغلی با شکایت این است که شکایت یک ممر اخلاقی و قانونی است و چغلی کردن یک روش زیرآبی و ناشی از فرومایگی است و همواره ناپسند و مذموم بوده است.

ناصر خسرو بیتی دارد که نفرت از نمانی را گویاست

هم از نمانم پرهیز ای برادر که از نمانم جان افتد در آذر

یکی از ارکان چغلی کردن وجود حُقم و نادانی و سادگی و ظاهر بینی شخصی است؛ که مخاطب چغلی است، زیرا اگر چغلی کننده (آقای احمد فراستی) احوالات حماقت و دهن بینی و ساده اندیشی در بنده سراغ نداشتند **حتماً به چغلی کردن از جاوید ایران نزد بنده متوسل نمیشدند** ممکن است برداشت تصویری آقای فراستی از کهنوت و واماندگی بنده درست باشد ولی نه در آن حد که مدعی اند جاوید ایران در تحریرات اینجانب مرتکب امانت داری نمیشود و هرطور که میل دارد در نقل و انتقال آن دخالت میکند و بنده درک موضوع نمیکم و امثال آنها

^۳ - قابل توجه کسانی که در بی پاسخ گذاشتن فحاشی های آقای مصطفی عری و برخی پاسخ ها به نامه آقای احمد فراستی، اصرار میورزیدند. ح-ک

از آنجا که بشدت از این حرکت متأثرم، حق دخالت و ورود به آنرا بیش از این به خود نمیدهم و به هیچوجه هم چنین انتظاری از آقای فراستی نداشتم.

❖ بخش تفهیم نادرست

بخش دیگرنامه ناشی از تفهیم و برداشت نادرست و یا ناقص آقای فراستی است.

❖ ۱- استنباط ایشان، از اینکه <هردادگاه کیفری از ارکان ۴ گانه ای تشکیل میشود> درست است ولی محکمه صحرانی که علیه اعلیحضرت بوسیله مواضعه کنندگان تشکیل شده دادگاه نیست، در این مورد در تحریرات قبل، محکمه صحرانی و کیفیت عمل آن و تطبیق عمل آن با نامه هشدار توضیح شده است.

❖ ۲- برداشت ایشان به عبارت زیر:

<من خود* و سایر امضا کنندگان را در مقالات شما در جایگاه متهم و شما را همواره در مقام توامان قاضی و دادستان مینگرم که در این دادگاه ما به اصطلاح متهمان وکیل مدافعی هم نداریم> - <زمانی که در مقام دفاع از خود برمیآئیم بایک دادگاه مطلقا در بسته و بدون ناظر بیطرف و منصف روبرو میشویم>.

❖ آقای فراستی، با اعلام جدانی از جریان نامه هشدار و پی آمد های آن، دیگر مناسب نیست که خودشان را در کنار سایر امضا کنندگان قرار دهند، این ناسخ و منسوخ است، و این قابل قبول نیست که کسی عملی را نکوهش و از آن کنار بکشد و بعد خود را جزئی از آن دانسته و از آن دفاع کند و بعلاوه همانطور که در ابتدای این لایحه عرض شد، این عمل، تائیدیه ای است، که ایشان علیرغم آگهی کناره گیری، قطب حمایت و دفاع از محکمه صحرانی و تبعات آن را متصدی هستند.

ببخشید، این روش آقای احمد فراستی یا داور مردانی است که در جریان مشروطیت هرگز معلوم نشد که اینطرفی هستند یا آنطرفی.

❖ ۳- اعتراض به نامه هشدار وکل و جزء پیامد های آن متوجه کسانی است که هنوز به حمایت از محکمه صحرانی قائم هستند و اگر جای دفاعی باشد باید از ناحیه آنها دفاع شود و یا از نبودن امکانات دفاع، گله کنند، نه آقای فراستی که اعلام دوری و کناره گیری از جریان کرده اند.

❖ ۴- بهتر است، موقعیت آقای فراستی در کادر حقوقی، موازنه شود تا روشن تر شود. اگر آقای فراستی به عنوان مثال به دادگاهی با طرح همین مسائل رجوع میفرمودند و طرف نوشته سابق ایشان را مبنی بر محکومیت قضیه و کنار کشیدن از آن به دادگاه ارائه میدادند دادگاه قرار عدم صلاحیت شاکی را به اعتبار همان اقرار و نوشته آقای احمد فراستی صادر میکرد. این یعنی ادعای آقای فراستی در نامه مورد نقد در مقابل نامه کناره گیری از هشدار کاملا منافات دارد.^۴

۴ امید واثق دارد بلکه آقای احمد فراستی این کل مهم را دریابند. ح-ک

❖ ۵- تصور نزدیک به یقین این است که حضرتعالی به تحریرات در رابطه با اصول مفقود و ادعا موجود توجه کافی مبذول نداشته اید؛ مختصرتوضیح از آن نوشته های مفصل اینکه - محکمه صحرانی علیه اعلیحضرت، دادگاه نبوده که فرضیات حضرتعالی جامعیت پیدا کند.

دوم اینکه برخلاف برداشت شما متهم پرونده که با حکم محکومیت روبرو شده شخص شاهنشاه رضا شاه دوم است نه امضا کنندگان نامه هشدار.

سوم اینکه قاضی و دادستان در محکمه صحرانی یکنفرو آنهاهم محررنامه هشدار بوده.

چهارم - اظهارگله فرموده اید >که متهمین وکیل مدافع نداشته و در اطاق دربسته و بدون وجود ناظر بیطرف انجام شده< مگر محکمه صحرانی که آقایان برای محکومیت اعلیحضرت تشکیل دادند در جلسه عام و با حضور وکیل متهم و هیئت نظار بیطرف بوده است؟

در جهت توضیح اضافی همانطور که در محکمه صحرانی مراجع شیعه، قاضی و دادستان و وکیل مدافع، فقط همان آخوند است در محکمه صحرانی علیه اعلیحضرت هم همان محرر که دقیقاً هم معلوم نیست که کیست نقش همان آخوند را عهده دار بوده است و بقیه صلوات فرستنده.

پنجم آنکه پس از انتشار حکم محکمه ۴ فرستنده تلویزیونی مانند شهرام همایون - مسعود صدر- فرامرز فروزنده، و امید دانا در سطحی بسیار وسیعی به دفاع از تصمیم آن محکمه برآمدند و به این هم اکتفا نشد و حضرتعالی تمام کمبودهای آنها را جبران میکنید.

بدینی و امانت داری

بخشی از نامه ایشان که بمناسبت اهمیتی که برای آن قائل شده اند در ردیف اوایل نامه جاسازی شده بدینی و سوء نیت به امانت داری جاوید ایران است که در کمال علاقه و اعتقاد مشترک به حقانیت و مشروعیت تداوم سلطنت، تحریرات را از نظر دیداری مشخص و تاکیدات تحریر را رنگی (های لایت) و مرتب کرده و به اشتراک میگذارند، آقای فراستی نسبت به امانت داری ایشان سخت اظهار نگرانی کرده است.

بنده نمیدانم اصلاً چرا باید این نگرانی برای ایشان بوجود آمده باشد؛ درست است که تربیت اداری ایشان ممکن است حالت بدینی را بصورت عادت در آورده باشد ولی این حالت امری است مربوط به خودش و نمیایستی عمومیت بدهند و اعلام عام هم بفرمایند. اصل، امانت و درستی همه مردم است مگر خلاف آن ثابت شود. آیا آقای احمد فراستی میتواند نمونه ای از تحریرات قلب شده را نشان بدهند که نگرانی ایشان موجه شناخته شود؟

درست است که بنده بمناسبت کهولت، از سلامتی چشم و گوش و قلب بشدت محروم ولی تحریراتی

که تقدیم میشود گواه است که هنوز گاگا و بله و خرفت و محجور نشده ام که در تحریرات تنظیمی

دستکاری شود و بنده نفهمم وانگهی مرتباً به تحریرات مزبور که بوسیله جاوید ایران به سایت ۱۴۰۰

منتقل میشود رجوع میکنم که مطالب تحریرات در دست تنظیم، حالت تکرار پیدا نکند. بنده که صاحب عله (طرف امانت) هستم کوچکترین فکر و احتمالی را در این زمینه نمیدهم، چطور است که آقای احمد فراستی که شاید تاکنون یکی دو بار نامه از بنده نداشته اند به این فکر و خیال افتاده اند و از این وهم و خیال نادرست نتایج بی اخلاقی و بی مروتی و خیانت در امانت را برای جاوید ایران رقم زده اند. چطور این اجازه بخود؟

آیا آقای فراستی این دقت و هوشیاری و نگرانی از اینکه در تحریرات اشخاص امانت داری بشود نسبت به سایرین هم معمول میدارند یا فقط نگران رابطه امانت بین بنده و جاوید ایران هستند بنده از نگرانی ایشان متشکرم ولی میتوانم به ایشان اطمینان بدهم که دیری نخواهد پائید که با توقف ابدی وقهری تحریرات، این نگرانی های ایشان فروکش خواهد کرد.

گلایه ها طبق طبق

◀ یکی دیگر از گلایه های ایشان این است که چرا تحریرات بوسیله جاوید ایران به اشتراک گذارده میشود و خود بنده مستقیم دارای ایمیل و دستک نیستم، تا افرادی مانند آقای عرب بتوانند کلی فحش و ناسزا به بنده بطور مستقیم بدهند. آقای فراستی رویه جاوید ایران را به اندرون و بیرونی تعبیر و آقای مصطفی عرب به مفهوم زنده بسیار زشت از آن یاد کرده است.

انسان با هر نظم و نسقی که مایل است کار و یا همکاری مطبوعاتی و یا هر نوع فعالیتی داشته باشد، باید تابع نظمی باشد که آن طرف برای خودش صلاح میداند و اختیار کرده است؛ اگر کسی مقاله ای به روزنامه ای میدهد آن مدیر روزنامه است که به اعتبار نظم و سیاستی که اختیار کرده آنرا چاپ کند یا نکند و یا در کجا چاپ بکند.

در برخی از کشورها ارباب رجوع ادارات، روی صندلی در کنار کارمند مسنول می نشینند و توضیح میدهد؛ در برخی کشورها ارباب رجوع در اطاق انتظار می نشینند و کارمند مسنول برای توضیح نزد ارباب رجوع میرود و در برخی از کشورها اصلا ارباب رجوع حق رجوع به کارمند را ندارد و باید با وقت قبلی فقط با تلفن صحبت کند.

در سال ۵۶ جلسه ای در بنیاد پهلوی در حضور آقای مهندس شریف امامی تشکیل بود که بنده هم بمناسبتی دعوت مشارکت داشتم برای ورود به محوطه رئیس بنیاد، ماموری مسنول بازرسی کیف مدعوین بود؛ بنده چون برای اولین بار بود که با چنین ماجرائی روبرو میشدم حاضر به بازرسی کیف دستی ام نشدم و سخت مقاومت کردم و استدلالم این بود که اگر اطمینانی بمن نیست نباید مرا دعوت کنند و اگر هست که دیگر جستجو لازم نیست کار قدری بالا کشید شخص آقای شریف امامی وارد شدند و دست روی شانه من گذاشتند و گفتند آقای امیرفیض این سیاقی است عمومی و این ترتیبی ای است که نسبت به همه اجرا میشود.

مقصود از این سابقه این است که انسان باید با انطباقات و مقررات جاری، خودش را تطبیق بدهد نه اینکه بخواهد که ضوابط به میل او شکل گیرد. در تطبیق مورد، اگر کسی از نحوه کار و عمل جاوید ایران راضی نیست، الزامی به مشارکت در آن ندارد.

این چه گلایه بی معناست که جاوید ایران ویا بنده باید آنطور رفتار کنیم که سلیقه آقای فراستی باشد؛ مگر تنها آقای فراستی مشترک جاوید ایران است، بنده زیاد وارد نیستم ولی تا آنجا که در جریان بوده ام تنها مورد، همین اعتراض آقای فراستی است که متوجه بنده شده است.

برخی از نظامات کاری و اداری و مطبوعاتی واجد نظم قانونی مشخص و معین است و برخی دیگر انتخاب نحوه آن با خود صاحب کار و مردم است.

عده ای به امنیت کاری خودشان خیلی اهمیت میدهند و ملاحظاتی را رعایت میکنند و عده ای نمیدهند

عاقلان، بر فتنه ها سد میکند جاہلان از فتنه ها ذوق میکنند

این حق مسلم مردم است که با کسانی کارکنند که از نظم کاری آنها متالم و ناراحت نشوند، نه آنکه خواهان آن باشند که نظم طرف را به میل و خواست خودشان بهم بریزند.

همانطور که به آقای فراستی گفته شده است هنگام پاسخ استاد امیرفیض عین نامه و پاسخی که به مناسبت تهمت هایی که به «جاوید ایران» وارد شده بود به ایشان داده شده به اینجا آورده خواهد شد، در زیر ایمیل کامل آورده میشود:

از پایین به بالا بخوانید:

آقای فراستی

با درود

شما یک شخص اطلاعاتی با تجربه هستید و خودتان نوشته بودید تا حدودی از اصول حقوقی آگاهی دارید و خودتان را در برابری با استاد حقوق جناب امیرفیض مقایسه کرده بودید، در شگفت هستم که نمیدانید اگر کسی را به کاری که نکرده است متهم کنند و به دروغ به او چیزی را نسبت بدهند این خود نه تنها از نظر قانونی کار خلافی است بلکه توهین به شخصیت و حیثیت و اعتبار آن شخص است.

در شگفتم شما که اینقدر تجربه دارید این مختصر را نمیتوانید تشخیص بدهید.

این نوشته را به لیست نفرستادم تا شما محفوظ بوده باشید آقای فراستی، من به شما به دلیل شغلی که داشته اید احترام گذاشته و میگذارم و در گذشته خواستم به نوعی از همدوشی شما با فحاشان و متجاوزان به حریم نظام پادشاهی و قانون اساسی دورتان کرده و متوجه شده باشید ولی شما آنگاه هم مرا تهدید کردید و حرفی نوشتید که دیگر به شما کاری نداشتم.

این نوشته را با استاد امیرفیض در میان میگذارم. با شرمندگی و عذر تصدیع از استاد گرامی.

ح-ک

From: Ahmad Farrassati
Sent: 12 October, 2016 7:40 PM
To: JavidIran (>
Subject: Re: Soal az Aghaye Dr. Razm Ara - Mohem

ببخشید، میتوانید با نوشته من هر کاری دوست دارید بکنید، نیازی به تهدید نیست، ولی میتوانم بدانم که کجای نوشته من به شما توهین آمیز بود. خواهش میکنم من را راهنمایی کنید تا بدانم چه چیزی را توهین تلقی کرده اید. با سپاس

JavidIran (> schrieb am 20:27 Mittwoch, 12. Oktober 2016:

آقای فراستی،

منتظر میمانم.. و همه این نوشته های توهین آمیز شمارا هم اگر به لیست نفرستم برای استحضار استاد امیرفیض خواهم فرستاد.

میدانید اشکال چیست، اشکال مقدار زیادی حسادت و مقدار زیادی طرح و برنامه ریزی هایی است که برای از بین بردن نماد پادشاهی و تداوم پادشاهی و جلوگیری از مبارزه مستقیم با آخوند ها است که در نوشته های استاد امیرفیض هم به خوبی و با سند به آن اشاره شده بود. چون استاد امیرفیض و این کمترین تنها کسانی هستیم که پس از اعلیحضرت در این راه صدای بلندی داریم هدف این توطئه بزرگ که سرش در دکان دروغپردازی مثنی جوان دست پرورده قرار گرفته است و برخی را هم خوب گول زده اند.

اتفاقا در ایمیل شخصی که کپی آنرا فرستادم هم یاد آوری شده بود.

آقای فراستی، پس از سی و هفت سال مبارزه مستدام و بدون تغییر و بدون لغزش باکی نیست.. با کمال وفاداری به نظام شاهنشاهی و تداوم آن؛ آنرا که حساب پاک است از محاسبه چه باک است.

ح-ک

From: Ahmad Farrassati
Sent: 12 October, 2016 2:01 PM
To: JavidIran (>
Subject: Re: Soal az Aghaye Dr. Razm Ara - Mohem

جناب، من پاسخ نادرستی های شما را خواهم داد و زمان باید بگذارم که، مستند در برابر نادرستیهای شما مدرک ارایه بدهم، شتاب نکنید و برابر روشتا ن با نامهای ۲ حرفی جعلی در مقام حق به جانب خود را قرار ندهید، پس از پاسخ من خواهید دید که شعا ر شما مینی بر تا سیاه روی شود هرکه در او غش باشد

را در خواهید یافت ، شتاب نکنید و متاسفم که شما با کل کل ارضا میشوید و من یکبار و برای همیشه با کمال ادب و احترام برابر میل های خودتان دست کم به خود شما ثابت خواهم کرد که تا پایین ترین اندازه ممکن در نهایت نادرستی تشریف دارید .

پاینده ایران و جاوید شاه

JavidIran > schrieb am 18:00 Mittwoch, 12. Oktober 2016:

آقای فراستی،

من (الله) نیستم که برای خودم و بنام خودم قرآن صادر کنم و بنام خودم نماز تولید کنم... این نوشته ها حقیقی است و مرا شرمنده لیستم میکند که یاران وفادار و میهن پرستان راستین بین آن ۴۵ هزار تن وجود دارند و خوب و بد را از هم تشخیص میدهند.

چیزی که جاوید ایران هرگز نکرده است و هرگز چنین تقلبی مانند مسلمان ها و خود قرآن نمیکند انتشار دروغ بوده و هست. جز راست در این ایمیل نمیخوانید

راستی کن که راستان رستند، راستان در جهان قوی دستند

باهم با سپاس از این شخص س، م، که بیش از ۲۰ سال است در لیست من تشریف دارند میخوانیم.

ح-ک

آقای فراستی،

با درود،

نخست سپاسگزارم که متمدنانه در این تحویل و تحول ایمیلی حضور دارید.

۱- فحاشی ها و بی ادبی های رکیک و خارج از نزاکت آقای مصطفی عرب به دلیل اصرار ایشان در به اشتراک گذاشتن با لیست ایمیل که موجب شناخت بهتری از ایشان شده است در ایمیل های من ظاهر شده است و ارتباطی به کسی ندارد و کسی را با گناه دیگری در گور نمی گذارند و یا به بهشت و جهنم اگر بپذیریم وجود دارد هم نمی برند. در زیر نوشته های ایمیل من بدون استثنا نوشته شده مسئول نوشته های دیگران هم نیستم.

۲- من هرگز در تاریخ مبارزه به فحاشی کسی با فحاشی پاسخ نداده ام اصولاً فحاشی در نظر من بی جا و بی اثر است و معتقدم همانطور که هموطنی های خراسانی ما میگویند فحش را باد میبرد و کتک را خر میخورد. فحاشی کاملاً بی پاسخ میماند. مقدار زیادی از دلایل فحاشی های رکیک آقای عرب و کسان دیگری که در گذشته بوده اند و امروز مرده و در خاک خفته اند هم همین بی پاسخ گذاشتن فحاشی و بی اعتنائی به رکیک نویسی های آنان بوده است. این نکته دیروز از سوی شخصی که خوب شما (آقای فراستی) را میشناسد و در آلمان هم زندگی میکند یاد آور شد، بایستی در حد فحاش پایین آمد و به رکیک و هجو گویی پاسخ داد.

۳- در بخش دوم نوشته تان طوری وانمود میکنید که من به فحاشی پاسخ بدهم که در رشته کاری و تربیت و گذشته این کمترین نیست و هرگز پاسخ نداده و سکوت میکنم.

۴- آقای فراستی نامه شما سرتاسر توهین و تهدید و اتهام به من بود و مرا هدف قرار داده بودید که نوشته های دیگران که با حروف اختصاری نامشان پخش میشود یا مطالبی که بالا یا پایین نوشته استاد امیرفیض یا مانند همین نوشته در بالای آن قرار میگیرد همه ساختگی و بدون اجازه استاد و بدون نظر استاد امیرفیض است و من در مقام خودم برای دفاع از خودم حق خودم میدانستم به آنها پاسخ بدهم و نوشتم تمام متن به نظر استاد رسانده خواهد شد و اگر ایشان نظرشان برپاسخ باشد و پاسخی برسد همه آن نوشته های شما را در زیر پاسخ خواهم گنجانید تا سیه روی شود هرکه دروغش باشد. من سهم دفاع خود را به آگاهی شما رسانده ام و گمان میکنم از هر نظر در هر محکمه ای حتا محکمه صحرائی که شما و همفکرانتان در مورد اعلیحضرت هم روا داشتید محق باشد از خودش دفاع کند و من اینکار را کردم و مسئولیت نوشته های درون [...] را هم به عهده گرفته وزیر نوشته ام هم نوشتم.

شوربختانه برخی از بخش های نوشته ها در خیلی از انسان ها بجا و بدرستی و کامل رسوب نمیکند و ناچار هستیم نه یکبار بلکه بارها موضوع را تکرار کنیم تا آنانی که نمیدانند که نمیدانند بدانند..

ح-ک

From: Ahmad Farrassati [mailto:]
Sent: 12 October, 2016 2:33 PM
To: JavidIran (>
Subject: Re: FARASATI

با درود، من تا دیروز سرافرازی تماس و ارتباط با آقای عرب را نداشتم و چون به گونه ای از سوی خود و بالطبع از سوی ایشان این پاسخ به استاد امیر فیض نیز قلمداد میشد چون زیاد به کامپیوتر آشنا نیستم با مشکلاتی توانستم این نامه را هم برای ایشان ارسال کنم و و سرافرازی دوستی با ایشان را نداشتم و اینکه شما میفرمایید ایشان فحاشی کرده اند و بلافاصله من را هم شریک ایشان در فحاشی ها میکنید به انصاف و کمالات و معرفت وجودی خود شما مربوط است و اگر فردی از امضا کنندگان تجاوز به عنف هم کرده باشد چون هم امضا با من بوده نمیتوانید با این سفسطه من را هم در همان ردیف بگذارید و این نشان از
چه عرض کنم میباشد .

من جناب عرب را دورادور به عنوان یک میهن پرست و شاهدوست میشناسم و بر ای ایشان و هر ایرانی دیگر که این کسوت را داشته باشند ارزش و احترام دارم و دست و پایشان را میبوسم. اگر شما مدعی هستید که ایشان به شما بی احترامی م یکنند مشکلی است بین شما و ایشان که خود باید پاسخگو باشند و نه هر کس د یگر که بیاتیه را امضا کرده است.

من نهایت احترام را در نوشته ها و گفتارم در اندازه خردم به همه قایل هستم و ت لاشم بر این است که با راستیها با دیگران از جمله شما برخورد داشته باشم و طبیع

ی است که این چشم داشت را از سوی طرف مقابل خود دارم.
ضمناً من این نامه را برای استاد امیر فیض فرستاده بودم و شما که خود را منشی ایشان یا دستیار قلمداد فرموده ید، باید اجازه به استاد میدادید تا خود پاسخگو میبوندند و آنگاه شما طبق معمول تفسیر و ترجمه میفرمودید به هر روی همانگونه که عرض کردم در پی زمان و پیگرد میل های خودتان هستم تا سیه روی شود
خدا نکند که شما باشید بلکه دشمنان پاینده ایران ، جاوید شاه

JavidIran schrieb am 1:44 Mittwoch, 12.Oktober 2016:

آقای فراستی

ملاحظه میکنید که من ایمیل ونوشته کسی را دستکاری نمیکنم

هنوز استاد امیر فیض پس از ملاحظه اگر نظرشان باشد پاسخ خواهند داد که من حتما پاسخ را با کلیه این نوشته ها به لیست خواهم فرستاد و شما ملاحظه خواهید کرد
از مهر شما سپاسگزارم.

اینرا میگویند گفتگوی متمدنانه نه آنچه این دوست شما آقای مصطفی عرب نوشته است نمونه را ببینید:

((پفیوز ح-ک، اگر پاسخهای مرا به ایمیلهای سراسر لجنه به اشتراک نگذاری از قحبه ها کمتری

امیر فیض-حقوقدان

امیدوارم ایمیل جناب آقای فراستی را که بسیار ادیبانه و استادانه به نوشته های شما پاسخ داده شده است، دریافت کنید. روشن نیست چرا این روسپی زاده (ح-ک) بجای شما پاسخگو شده است؟ آیا شما اسیری این دیوس هستید؟ و یا بدهی به این پفیوز دارید؟

شایسته است تا این قحبه زاده تتمه آبروی شما را نبرده، چهره کثیف و ننگینش را برای مردم روشن و از او دوری نمائید!؟

ننگ و نیستی بر فدرالیستها، تجزیه طلبان و مخالفان یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران از شاه ... تا گدا

پاینده ایران))

بهترین ها را از طوطی شکر شکن عرب بدست می آوریم. شما آقای فراستی خودتان پاسخگوی این هم امضای خودتان باشید از نظر من این فحاشی ها پاسخ ندارد. توهین به شما هم که ذاتا و باطنا طرفدار نظام پادشاهی به نمایندگی اعلیحضرت رضا پهلوی هستید میباشد به هرکس طرفدار نظام پادشاهی با تداوم پادشاهی است توهین مستقیم است.

باز هم از سخنان متمدنانه شما آقای فراستی سپاسگزارم

وهم در وجود حق، مانع از بحث است

ح-ک

From: Ahmad Farrassati [mailto: .de]
Sent: 11 October, 2016 6:58 PM
To: JavidIran >
Subject: Re: FARASATI

با درود، سپاس از مهرورزی شما و امیدوارم که در آینده بتوانیم با همکاری یکدیگر خدمت و وظیفه خود را به میهنمان پر بارتر و ارزنده تر انجام دهیم. پاینده ایران

JavidIran > schrieb am 20:11 Dienstag, 11. Oktober 2016:

این نوشته به همینصورت

بدون کم و کاست به عرض استاد امیرفیض میرسد.

تا سیه روی شود هرکه دروغش باشد.

ح-ک

نوشته های درون [...] از من است]] ح-ک،

From: Ahmad Farrassati [mailto:]
Sent: 11 October, 2016 12:38 PM
Subject: FARASATI

با درود های مهرورزانه به پیشگاه جناب استاد امیر فیض .

پیشاپیش اجازه دهید مطالب مندرج زیر را بسیار دوستانه و هم میهنانه بحضور شما استاد گرانقدر عرض نمایم تا شاید اندکی گره گشای هشدار نامه گردد .

جناب استاد، من همواره در این سالیان دور از میهن و اجباراً در بیگانه دیار زیستن خود را شاگرد شما دانسته و از نوشتجات شما بسیار آموخته ام و کوشش نموده ام فرا گرفته‌هایم را در چهارچوب صداقت بدیگر هم میهنان آگاهی دهم، هیچ لحظه‌ای عشق و ایمان و وفاداریم به ایران و نظامی که در آن پرورش یافته و صادقانه خدمت کرده ام از قدرتش کاسته نگردیده است.

جناب امیرفیض آنچه در پسین می‌آید پرسشهای یک شاگرد از یک استاد بزرگ و گرانقدر است که انتظار دارد بآنها مهربانانه و دلجویانه نگریده شود.

شما خود حقوقدان هستید و من یک فرد که از مسائل حقوقی اندکی آگاهم، ولی تا آنجا که میدانم هر دادگاهی ۴ رکن دارد "**قاضی، دادستان، متهم و وکیل مدافع**".

یاد آوری مینمایم، در راستای بیانیه هشدار که من نیز از امضا کنندگان آن هستم، ولی از نظر از پی آمدهای نامطلوب و نادرست آن فوراً کنارگیری اختیار نموده و از هرگونه رفتار گفتار گونه و نوشتاری خوداری و دوری نمودم.

در مورد هشدارنامه، ۲۴ رساله حقوقی از سوی شما تهیه و از سوی جناب جاوید ایران برای بسیاری از هم میهنان و من نیز ارسال گردیده، شگفتیهائی در من آفریده و آن این است که من خود و سایر امضا کنندگان را در مقالات شما در جایگاه متهم و شما را همواره در **مقام توأمان دادستان و قاضی مینگرم** که در این دادگاه **ما به اصطلاح متهمان، وکیل مدافعی هم نداریم**. ولی زمانی که در چهارچوب واقعیتها در مقام دفاع از خودبرمیآیم با یک دادگاه مطلقاً در بسته و بدون ناظرین بیطرف و منصف روبرو میگردیم و چنانچه بخواهیم دفاعی از خود بنمائیم باید به کسی که از اندرونی به بیرون و داخل راهرو میآید و دادنامه را ابلاغ میکند پاسخگو باشیم **(نظر اینجا جناب جاوید ایران است)** و نه با کسی که داد نامه را تنظیم نموده است. من میدانم که این بزرگوارنسبت به دادخواست شما و دفاع من و یاما تا چه میزان پایبند به اخلاق و مروت اجتماعی میباشد و آیا به عمد یا به سهو برای هردو سوی ماجرا با صداقت و امانت رفتار مینماید؟ آیا شرافتمندانه و صادقانه مسائل ملی میهن را در نظر دارد؟ آیا پی به مسائل ناگواری که پیش خواهد آمد واقف است؟

]]آقای فراستی

جاوید ایران شاگردی استاد را میکند و همانطور که یک منشی دادگاه یا دستیار دادستان عمل میکند نظر های حقوقی استاد حقوقدان را دنبال میکند و نظری جز اعتلای میهنی که هرکس رسیده تجاوزی به آن کرده ندارد. از شما میپرسم، شما وقتی با آن ۵۱ تن دیگر تنهایی به قاضی رفتید، محکمه صحرایی تشکیل دادید، اعلیحضرت را به تمام آن نام هایی که همه امضا کننده ها از جمله شما، آقای مصطفی عرب، آقای منوچهر رزم آرا و وو به اعلیحضرت رضا شاه دوم نسبت دادند و ایشان را مگس و پشه و دشمن وجودی ایران خطاب کردند و سپس محکمه صحرایی را بستند و رای به دشمنی ایشان با ایران صادر کردند در

محکمه صحرائی شما جنابان؛ قاضی، وکیل، دادیار، دادستان، شاکی و ناظر و
حتا حضور متهم و متهمین رعایت شده بود که شما به استاد امیرفیض تا اینجا
و من که همانند رساننده نظر و اصول و اسناد حقوقی عمل کرده ام ایراد بنی
اسرائیلی میگیرید؟؟ این دنیای شما چطور دنیای یک طرفه ای است که شما ها
هرکاری بکنید محق است ولی ما از حق دفاع کنیم «گناه» است و مستحق
فحاشی های رکیک و ردیلانه هستیم؟؟ عجب اصول حقوقی را رعایت کرده اید
آقای فراستی!!!]]

از پاسخی که شما مهرورزی فرمودید و به یکی از نوشته های من دادید،
این استنباط به من دست داده است که کل نوشته من به شما نرسیده زیرا
من از سعه صدر شما آگام و میدانم که به تمام موارد عنوان شده از طرف من پاس
خ میفرمودید.

]]آقای فراستی،

شما خودتان شاهد بودید نوشته شما به لیست فرستاده شده و عینا نوشته به
حضور استاد امیرفیض فرستاده شد و دربرخی موارد عین نوشته هرکسی باشد
زیر پاسخ های حقوقی استاد گنجانده میشود تا هرکه درو غش باشد شرمنده و
شرمسار باشد. عجب تهمتی بالاتر از این نیست. من از استاد امیرفیض هیچ
چیز را پنهان نکرده ام. این تهمت ناروایی است زیرا شما شاهد بوده اید چه
پاسخی به شما داده شده و عین نوشته شما آنجا بوده آن پاسخ ها و نوشته شما
همانند همین نوشته بدون یک واو کم یا زیاد به نظر استاد رسانده شده است. بی
انصافی است]]

این جناب واسطه،

هر زمان که مقاله شما را در ایمیل خود قرار میدهد، خود پیش گفتاری با فحاشی، تهمت
، و توهین در بالای آن مینویسد و در پایان مقاله شما نیز
دوباره همان کار را انجام میدهد به گونه ای که به خواننده القا شود آن کلمات سخیف
که بآنها اشاره خواهم کرد از سوی شخص شماست.

]]نمونه فحاشی هارا نشان بدهید آقای فراستی... کجا من فحش مادر و خواهر و
ناموس و بی ناموسی به کسی داده ام. اگر کسی اعلیحضرت را متهم کرده یا حتا
خودمرا متهم کرده پاسخی داشته ام «هرز نویس» یا «کوتوله سیاسی» خوانده

ام کمتر و بسیار کمتر از فحاشی های برخی از شما ها و «دشمن وجودی ایران خواندن» فدرالیست و تجریه طلب خواندن شما نسبت به ما بوده است...
تنها به قاضی رفته اید و راضی برمیگردید. حالا پس از محکمه صحرایی
اعلیحضرت نوبت دیگران است...]]

از سوی جناب جاوید ایران مقالاتی از دیگران توأم با توهین و فحاشی نسبت بما
و در تایید فرمایشات شما درج و پخش میگردد و نامبرده میفرمایند که این
ایمیلها برای من ارسال شده ولی هرگز نام و ایمیل فرستندگان ادعایی خود را اعلام
نمیدارند و تنها با دو حرف از حروف الفبا معرفی مینمایند. با وجودی که نام و
نام فامیل و حتا گونه کار امضا کنندگان هشدار نامه مشخص است. گویا این فحاشان
از شجاعت و شرافت فردی و ملی برخوردار نیستند زیرا اگر میبودند خود را معرفی مینمودند.

]] آقای فراستی

شما یک مامور باتجربه اطلاعاتی هستید و میدانید راز اشخاص بسیار مهم
است. برخی از آقایان و خانم ها نمیخواهند به لیست ۴۵ هزار تنی من که برخی
هم نوشته هارا در فیس بوک ها که هزاران هزار ناشناس و صد البته و شاید
ماموران «نامحرم» با نام های عوضی «نفوذی» در همه جا هستند این آقایان و
خانم هارا بشناسند و لذا وظیفه مند هستم امنیت جانی آنان را در نظر بگیرم—
شما خودتان در سازمان امنیت در گزارش ها هماره از نام های مستعار استفاده
میجستید و هرگز نام افسر و مامور مربوطه نوشته نمیشد و یک نام مستعار
نوشته میشد را خوب آشنا هستید. این ایراد شما در اصل تلاش در شناساندن
مردم به ماموران رژیم اسلامی است و خطای بزرگی از جانب یک مامور
اطلاعاتی مانند جنابعالی است.]]

برای بسیاری از هم میهنان این امر مطرح گردیده که شاید همه این فحش نامه ها
را کسی جز خود آقای جاوید ایران ننویسد اگر حقیقت یابد ایشان برای شما دشمن در لباس
دوست میباشند.

]] این تهمت بخشودنی نیست آقای فراستی—این تهمت و افترا بی جا است زیرا
همه آن ایمیل هارا تنها با بستن نام فرستنده فرستاده ام و مشخصات ایمیل ها
ساعت مخابره آن و ساعت رسید آن تاریخش و همه چیز در اغلب اوقات
مشخص و بالای نوشته مانده است و قابل رسیدگی است. به اندازه شما آقای

فراستی کار اداری کرده ام که طوری عمل کنم چنین تهمتی وارد نشود ولی شما یک مامور اطلاعاتی خبره چنین مطالبی را میبینید و باز تهمت میزنید آنگاه شایسته خواهد بود بگوییم دارید پاپوش درست میکنید؟؟ شایسته است آقای فراستی؟؟ از شما بعید است..]]

در اینجا نمیخواهم به تمام ۲۴ دادخواست شما پاسخی بدهم زیرا پایه حقوقی آنرا کم ندارم اما جناب جاوید ایران مطالب شما را بگونه ای دیگر ترجمه و انتشار میدهند و از بزرگواری شما در پاسخ شما به خود من که حتا منت گذارده و سپاس گذاری نیز از من فرموده بودید برایم این گونه ترسیم شده است که همه نامه من را نگرفته اید زیرا سعه صدر شما را میشناسم و البته این تصور در من جان گرفته است که چرا به سایر موارد بی اعتنا بوده اید. در اینجا من تنها به بخش هایی از پاسخی که در برابر نوشته آقای مصطفی عرب م رقوم فرموده اید میپردازم زیرا که سهمی از نوشته شما به امضا کنندگان که من نیز یکی از آنها هستم بر میگردد و خود جناب عرب البته مختار هستند که در مقام پاسخگویی بر آیند یا خیر.

توضیحی را که ضروری میدانم پیش از پرداختن به بخش ۲۴ رهنمود شما عرض کنم این است که جناب جاوید

ایران تصور مینمایند پاریسی نویسی شما را کمتر کسی میفهمد و فرمایشات شما را در ایمیلی ترجمه کردند که استاد امیر فیض در محضورات قرار گرفته اند و آنچه که برای تو نوشتند حرف دلشان نبوده است و معنایش برای من این است که در اندرون شما خسته دل کسی بنام آقای ح-ک هستند که مکونات قلبی شما را میخواند.

]]چنین ترجمه ای که اشاره کرده اید را نشان بدهید... آقای فراستی این حرف شما همانند جفنگی است که توده ای ها در مورد عدول شاهنشاه از قانون اسالی ۱۹۰۶ و متمم آن میگویند ولی سندی برای اثبات آن ندارند. شما مرا به چیزی متهم میکنید که نادرست است و این جرم است آقای فراستی، استاد امیرفیض همه کپی های نوشته های مرا به ویژه مطالبی که در بالا و پایین یا زیر نویس نوشته های ایشان میگذارم را میبینند و به آنها اشراف کامل دارند و اگر لازم باشد خود ایشان تذکر لازم را میدهند و به دیده منت پذیرا هستم این بخش از نوشته شما «افترای نا جوانمردانه» و حرف اضافی در کار صادقانه ای است که سی سال است میکنم.]]

ایشان برای من نوشتند که استاد با این واژه "**تَشکر**" منظور دیگری داشته اند.

استاد گرامی، شما در ۷ صفحه پاسختان ۶ صفحه را به تایید نوشته آقای عرب که مکنونات دست کم خود من نیز بود اختصاص دادید و بر جا اندازی فدرالیسم، به خطر افتادن تمامیت ارضی به وسیله ایران ستیزان را مورد ایراد قرار دادید و به اعتراض تاریخی خود به شاهنشاه در سال ۱۹۷۴ اشاره و از امضا قرارداد شاهنشاه و

آقای گنجی با دولت مرد آمریکایی آقای تیمر من انتقاد به عامل آوردید تا جایی که شاهن شاه وادار به عدول از ان توافق یا قرارداد مبنی بر دادن خود مختاری به کردها گردیدن

د
مگر امضا کنندگان چه کردند، آنها هم از شاهنشاه همین خواسته را داشتند که چرا پس از ۳۲ سال

مشابه همان اشتباه در مصاحبه با یک نشریه عربی به گونه ای تکرار میگردد.
ضمنا شاهنشاه در این مصاحبه که دیگر گروگان خبرنگار الوطن نبودند و این چمداشت از ایشان به عنوان رهبر مشروطه خواهان و سلطنت طلبان و نماد سه ه زار ساله پادشاهی دست کم این است که همواره از تمامیت ارضی ایرانمان پدافند نمایند. شگفتی در این است که اگر میفرمایید ایشان گروگان هستند، چه گونه است که در گفتگو با رسانه های پارسی زبان مردانه از تمامیت ارضی دفاع میفرمایند ولی با خبر نگار عرب به صورت گروگان در میایند.
البته این را میپذیرم که لحن بیانیه میتواند نرمتر و مودبانه تر باشد.

[[آقای فراستی، اشکال کار شما وهمفکرانتان آن است که «لا الله» را میگویید و «علی الله» آنرا نشان نمیدهید و بزبان هم نمی آورید. تمام متنی که در نوار دستکاری شده بود و در «هشدار نامه» که من آنرا «هرزنامه آنهم با استفاده از واژه ای که آقای ع ه در نوشته های خود آورده بودند میخوانم» همین کار را کرده بود. استاد و من در هر مورد به شورای ملی؛ به ماده ۱۱ و به مسئله فدرالیسم یا هر موردی بوده طبق وظیفه ای که داشته ایم اعتراض نوشته ایم ولی هرگز اعلیحضرت را دشمن وجودی ایران، مگس، پشه، نادان، بی سواد، احمق ویا از این دست نخوانده ایم آقای فراستی امیدوارم فرق این دو مورد را بفهمید شما که مدعی هستید تا حدودی اصول حقوقی را میدانید. یا میخواهید مانند دولت های فاشیستی اتهام ببندید و نتیجه مطلوب خودتان را بگیرید]]

شما خود شورای ملی را شورای تجزیه طلبان نام گذارده اید، گویا استاد فراموش فرموده اند که شاهنشاه خود رییس این شورا هستند و این خود هزاران برابر تندتر از ان بیانیه است که ایشان را در راس تجزیه طلبان رسماً قرار میدهند

ولی اگر ایشان میفرمایید که گروگان هستند، حتما باید پذیرفت که به خاطر این گروگان گیری باید تبلیغات تجزیه طلبی را هم از سوی این شورا که شاهنشاه رییس آن هستند با جان و دل بپذیریم ..!!!!!!!

فرمودید که قرارداد ۱۹۷۴ به ایشان تحمیل شده است و نیز ریاست شورای تجزیه طلبان، ولی شاهنشاه در آخرین سخنرانی

خود در مقام پاسخگویی همه مخالفان شورا را که شما نیز یکی از آنها هستید موجب بگیران جمهوری اسلامی قلمداد فرمودند، هنوز هم این سخنان را تحمیل میفرمایید.

[[دو موضوع جدا از هم است که شما مخلوط میکنید. یکی وظیفه ثبت درستی و نادرستی های تاریخ که در آینده مورد انتقاد قرار نگیریم که چرا میدیدید که چاله و چاه ست و نگفتید یکی مسئله توهین و افترا و محکمه صحرایی و راهنمایی به پای چوبه دار است که در نوشته های استاد امیرفیض و این کمترین مورد نخست و در مورد نوشته هشدار و دیگر مدافعان آن مسئله دوم و مسئله تهمت و افترا و دشمن وجودی خواندن اعلیحضرت و کسانی که از هشدار انتقاد بجا کرده اند است که شما آقای فراستی همانند دیگران بهم مخلوط میکنید... فرق است بین انتقاد سالم و فحاشی و محکوم کردن]]

در بخش مقصود از اتهام چیست که فرموده اید اتهام عوام ریشه قانونی ندارد ولی تخریب کننده و نافی اعتبار و اعتماد عموم به ایشان است.

بر پایه مستندات شما و باور خود من ایشان پادشاه ایران هستند و به استناد اصل ۳۹ متمم قانون اساسی و سوگندی که یاد کرده اند میبایستی تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده و حدود مملکت و حقوق ملت را محفو ظ و محروس بدارند و برابر اصل ۳ همان قانون حدود مملکت ایران، و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر ناپذیر است، حال مفاد نامه هشدار مگر غیر از آن بوده است.

[[آری غیر از آن بوده—ایشان را رهنمود نداده اند به قبح عمل (با سند ساختگی—فیلم آنرا کس دیگری با سند ثابت کرد آنچه در نوار های چسبیده به هشدار بود دستکاری شده بود) بلکه متهم، محاکمه و محکوم کرده اند باهم فرق دارد، خیلی هم فرق دارد]]

شگفت که میفرمایید اظهارات اعلا حضرت در باب فدراتیو و یا تقسیم قدرت و امثال آنها به عنوان یک شهروند در کلاس آزادی بیان شناخته میشود و مشمول صیغه اتهام و خیانت به کشور محسوب نمیگردد.
مگر مصاحبه کنندگان با ایشان به عنوان شهروند مصاحبه میکنند یا به عنوان

وارث قانونی و اگر شهروند در این کلاس هستند چرا عنوان اعلا حضرت را به ایشان می‌دهید.

[[طبق قانون اساسی و متمم آن اعلیحضرت هستند ولی طبق نوشته هشدار ایران «شاهزاده»، «رضا پهلوی»؛ «حضرت شاهزاده»، یا «شهروند» قلمداد شده اند ما که طرفدار و پاسداری از قانون اساسی را به عهده گرفته ایم، ایشان را در لباس «شهروند»؛ «حضرت رضا پهلوی»، «حضرت شاهزاده» یا «شاهزاده» نمیدانیم و این موضوع شاید بیست بار از سوی استاد امیرفیض توضیح داده شده و شوربختانه شما هم که (آقای فراستی) مدعی هستید قانون را پی می‌گیرید متوجه این امر ساده نیستید]]

میفرمایید شرط ورود اتهام قصد و فعل است و نه حرف و فکر، با این استدلال حتا اگر بنا به فرمایش شما محاکمه صحرائی باشد که به قصد و فعل در نیامده **[[محاکمه صحرائی به قصد عمد به اجرا در آمده و حکم هم صادر کرده است ح-ک]]** پس این همه هیاهو برای چیست در حالی که قصد خود مختاری حتا به وسیله شاه نشاه در ۱۹۷۴ با بستن قرارداد به فعل هم در آمد.

و اما مهمترین بخش فرمایشاتتان بیان واژه های منتسب به بیانیه است که میفرمایید این توهین ها به پادشاه شده است، استاد گرامی یا بیانیه را مطالعه نفرموده اید یا شاید با تحریف به عرضتان رسیده است که میفرمائید زبانم لال ایشان را حقه باز، شارلاتان، خاین، احمق ، کوتاه بین ، بیسواد، پول پرست، بی ابرو، مفتضح، پشه ، عروسک نامیده اند. در کجا، در کدام بخش و در کدام سطر این ترهات بوده است.

[[آقای فراستی این عمل شما که در خط قرمز بالا نوشته شده سفسطه و مغلطه نام دارد، استاد امیرفیض هرگز ننوشته اند؛ هشدار نوشته بود؛ احمق، کوتاه بین یا.... همواره قید کرده اند بردیای قلبی؛ همواره نوشته اند منوچهر رزم آرا یا امید دانا یا آقای مصطفی عرب گفته و هربار نام این اشخاص را نوشته اند نوشته شما در بالا دقیقا شیوه اسلامی است که آخوند ها و دادگاه های آنان بکار می‌برند]]

در مورد جمله دشمن وجودی ایران هم با عرض پوزش، فرمایش شما با واقعیت برابری ندارد جمله مندرج این گونه است که نوشته شده اگر شاهنشاه به رویه گذشته

که یک مورد ان همان قرارداد ۱۹۷۴ است پافشاری بفرمایند، شاهنشاه مشروعیت خود را نزد باورمندانشان از دست می دهند. استاد
ملاحظه میفرمایید که جمله شرطی است و یعنی اگر به تمامیت ایران ارزش بگذارند پادشاهی راستین هستند
و اگر همین ایشان باز هم چنین قراردادی مانند ۱۹۷۴ را امضا کنند نزد خود شما مشروعیت خود را از دست نخواهند داد؟.

**[[چرا عین جمله را نمی نویسید و آنرا طور دیگری تشریح میکنید آقای فراستی
جمله در هشدار این است: «این متن عینا از رویه برنامه امید دانا برداشته شده
است تا سیه روی شود هرکه دروغش باشد»**

ملت ایران همان ملت است، و آن سوی چهارچوب ملی ایران چه در نظر و چه در عمل، خواه آل سعود یا شیخ نشینان باشند، خواه جناح‌هایی از اسرائیل و تنوکان‌ها در آمریکا، خواه احزاب تروریستی در مرزهای ایران باشند و خواه شخصیت‌های ریز و درشت در هر نقطه از گیتی، ملت ایران را تفاوتی نیست. پافشاری حضرتعالی بر ادامه‌ی رویکردهای خطرناک و ضدملی یک دهه‌ی گذشته، نه تنها مشروعیت وجودی‌تان در نزد باورمندان به پادشاهی مشروطه به‌عنوان ولیعهدی تاریخی را نابود می‌کند؛ که حضرتعالی را در کسوت شهروندی ساده، برکنار از نام خانوادگی‌تان، "پهلوی"، به جرگه‌ی دشمنان وجودی ایران در پیشگاه یکایک ایرانیان پایبند به اصول ملی می‌افزاید. ایرانیانی که

آقای فراستی--- در این جمله بندی مورد شرطی هرگز رعایت نشده و واژه «اگر» هم حضور ندارد و خواننده هم با تکیه به واژه می‌افزاید و کسوت شهروندی ساده ترتیبی میدهد که دقیقا اعلیحضرت در «کسوت دشمن وجودی ایران» افزوده شده باشند. بروید نواری نوشته را از سر تا پا دوباره گوش کنید و بخوانید.]]

باز هم اضافه شده در صورتیکه باز هم از جزایر و خلیج پارس ان گونه سخن بگویید و پافشاری کنید "توجه اگر پافشاری کنید" ما پایبندان به شما "توجه ما پایبندان به شما" ، شما را در زمره دشمن وجودی ایرانیانی میدانیم و نه ایران، ایرانیانی میدانیم که پای بند به اصول ملی هستند.

[[آقای فراستی در نوشته کپی شده بالا، واژه «اگر» که شما بر آن تاکید دارید کجاست؟؟؟ تعبیر بالای شما به مانند همان تهمت هایی نیست که در آغاز به من زدید؟؟]]

کجای این جمله، ایشان دشمن وجودی ایران نامیده شده اند، مشتی مذذب از بیانیه ای به این روشنی ببینید چه ساخته اند.

در کجای این بیانیه ایشان به عنوان رضا پهلوی دوم، وارث سنتی پادشاهی پهلوی، حضرت ولیعهد، پهلوی سوم، حضرت عالی نام برده شده است. کدام بی حرمتی صورت گرفته است.

[[آقای فراستی مغلظه نکنید جمله؛ عین جمله را گذاشته ام بخوانید این کار را «مشتی مذذب» نکرده اند شما و همفکرانتان کرده اید و آنان را «مذذب» میخوانید... لابد کمال خوشفکری و خوشخیالی و خیر و اندیشه است که انتقاد های درست و بجا «مذذب» خوانده شود و محاکمه کننده های محکمه صحرای جایزه اسکار و نوبل تحویل بگیرند...]]

در پایان توجه شما را به نوشته ها و فحاشی های نمایندگان خود خوانده شاهنشاه جلب میکنم تا میزان فرهنگ، و گونه ادبیات آنها را خود داورى بفرمایید، به راستی زهی شرمندگی که این طرفداران پادشاهی هستند و میدانم بسیاری از آنها بیانیه را نخوانده اند و اگر هم خوانده اند چیزی از آن نفهمیده اند که به این گونه واکنش های غیر اصولی و اخلاقی مبادرت میورزند، از شما استاد ارجمند تقاضای اظهار نظر در این راستا را دارم.

دوباره تاکید میکنم که در بیانیه هیچ واژه ای که در نامه خود از ان یاد کردید وجود ندارد و هم اکنون که این نامه را خدمتتان مینویسم ۵ با ر بیانیه را دوباره خوانی کرده ام. حال به ادبیات نمایندگان خود ساخته و خود خوانده شاهنشاه توجه بفرمایید.

خطاب به امضا کنندگان، در سراسر نوشته های آقای ح-ک ابله خطاب میشود.
مشتی بی خرد رنگ شده نوشته خانم فرحناز رضایی در فیس بوک،
دجالان خانم فرحناز بای دخت، مشتی بی خرد که در جامعه ایرانی ارزشی ندارند
آقای جوان همه در فیس بوک. گدایان اندیشه، خرد و بی فرهنگ خانم نیر وثوق،
و ادامه در میل های آقای ح-ک بی سرو پاها، بی ابروها، هیولاها، زوالحیاتین،
آویزه یک حرکت خزنده جمهوری اسلامی، مزدوران و مزد بگیران، بی تجربه

گان آلت دست ملایان، مصطفی عرب باج گیر،

کسانی که خانواده ندارند و حتا نتوانسته اند که دو فرزند به درد بخور به جامعه تحویل دهند، مارمولک، زالو، مگسائی که آلوده ابدی شده اند، کوتوله های سیاسی، کوتوله هایی که همه چنگال و پنجول میکشند، هرزه نویسان، وقیحان، نادانان و نفهمان، نفاق افکنان، گمراه کنندگان، ضد فرهنگ، بی هویت، مغلظه کار، نابخردان، و یک دو جین دیگر از این واژه ها که همه وسیله آقای ح-ک قلمی شده و با نام مستعار دو واژه ای به وسیله میل به ۴۵۰۰۰ تن مخا طبان ادعایی خود ارسال میفرمایند.

[[آقای فراستی در همه ایمیل های من در زیر نوشته شده مسئول نوشته دیگران نیستم. گذشته از آن من فیس بوک ندارم و مسئول نوشته های فیس بوکان که شما همه عنوان های بالا را از فیس بوکی که خودتان به آن وصل هستید برداشته اید نیستم، من تنها نوشته ام «کوتوله های سیاسی» آری نوشته ام و «هرزه نویسان» آری در بالا هم نوشتم یکی از فرزندان و ایرانیاران در لیست من آن واژه را بکار برده بود در ذهن من هم مانده و استفاده کرده ام و بقیه واژه ها یا در نوشته دیگران به من و در ایمیل من بوده یا اگر نوشته شده باشد آلت دست ملایان این هشدار جز همراهی و همسویی با ملایان که در نوشته های استاد امیرفیض هم اشاره شده است نادرست و بی جا هم نیست. این اتهام های نا موجه به ایمیل جاوید ایران مربوط نیست شما یافته های خودتان خطاب به شما و دیگر نویسندگان «هرز نامه --- با افتخار این واژه را باز بکار میبرم» در فیس بوک یا جای دیگر را به حساب استاد امیرفیض یا من نگذارید. شما یک اطلاعاتی سازمان معتبر ساواک هستید نه بازجوی زندان اوین در رژیم اسلامی که صدای سم اسب ناصرالدین شاه را هم به حساب دیگری گناه باطل شدن نمازش تلقی بکنید...]]

استاد گرامی

بزرگتر از این ها دشمنی برای شاهنشاه میشناسید.

تاکید، هیچ یک از توهین هایی که شما بر شمردید، در بیانیه نیست.

[[ولی تمام توهین هایی که شما نوشته اید آقای فراستی نسبت به صاحب ایمیل جاوید ایران و از سوی آقای مصطفی عرب نه تنها نسبت به صاحب «جاوید

ایران» بلکه در کمال بی انصافی نسبت به استاد امیرفیض هم شده و نسبت به تمام پاسداران نظام پادشاهی و طرفداران اعلیحضرت در جمله «ننگ و نیستی بر فدرالیستها، تجزیه طلبان و مخالفان یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران از شاه ... تا گدا» شده و هرروز چند بار تکرار میشود. هربار که فحش نوشته بشود پاسخ ندارد زیرا همانطور که استاد نوشته بودند: «**وَهْمِ دَرِوَجُودِ حَقِّقٍ، مَانَعِ اَز**

بَحْثِ اَسْتِ» با درودی دیگر – مسئولیت نوشته ها در درون گیومه مربع را من

ح-ک میپذیرم]]

با تمام احترام و تجلیل و بزرگداشت از شما پاینده ایران. .